

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

فرمایش محقق ایروانی(ره) پیرامون «اعراض»

به مناسبت فرمایش محقق نائینی(قدس سره)، متعرض بحث «اعراض» شدیم و گفتیم این که آیا اعراض، «انهاب موضوع سلطنت» است یا «سلطنت بر انهاب» است، طبق مبنایی است که اعراض را «مُزِيل ملکیت» بدانیم. اما اگر کسی اعراض را مُزِيل ملکیت نداند دیگر این بحث‌ها مطرح نمی‌شود.

سپس عرض کردیم که محقق ایروانی(ره) در پایان کتاب البیع، يك رساله اي در خصوص بحث اعراض نگاشته اند - و من ندیدم کس دیگری غیر از ایشان این بحث را مستقلاً عنوان کرده باشد-، و نام آن را «جَمَان السِّلْكِ فِي الْأَعْرَاضِ عَنِ الْمَلِكِ» نهاده است. - که متأسفانه در چاپ‌های جدید حاشیه ایروانی(ره) بر مکاسب، چاپ نشده است، اما در چاپ‌های قدیم موجود است-. عرض کردیم که به علّت اهمیّت و فایده بحث «اعراض»، تحقیقی راجع به مسئله اعراض عنوان می‌کنیم، و پس از آن، ادامه اشکالات مرحوم امام(ره) بر مرحوم نائینی(ره) را ذکر می‌کنیم.

تنقیح محل نزاع

مرحوم ایروانی(ره) در ابتدای بحث، در تنقیح محل نزاع فرموده؛ محل نزاع جایی است که کسی که مالک مالی می‌باشد و قصد اعراض از ملکیت این مال را دارد، آیا مجرد قصد ترك ملکیت من رأسها، موجب زوال ملکیت می‌شود و این ملکیت از بین می‌رود؟ اما اگر کسی فقط از مالش انتفاع نبرد - مثلاً ماشینی دارد که این ماشین را ده سال است کنار خیابان قرار داده و از آن استفاده نمی‌کند- اما قصد عدم الملكية را ندارد، این از محل نزاع خارج است و مسلماً هیچ فقیهی نمی‌گوید ملکیت چنین شخصی زائل شده است. مثلاً فرض کنید کسی زمینی را خریده و پنجاه سال است که آن را رها کرده و در خارج از ایران زندگی می‌کند، اما نسبت به این زمین، قصد ترك الملكية ندارد، اینجا هیچ فقیهی نمی‌گوید ملکیت او به مجرد ترك الانتفاع زایل می‌شود.

سپس تشبیه دیگری را ذکر می‌کنند که؛ در باب زوجیت، اگر مردی نسبت به زوجه خودش ترك الانتفاع کند، این بدین معنا نیست که علقه زوجیت از بین برود، اما گاهی مواقع مرد علقه زوجیت را از بین می‌برد و زن را طلاق می‌دهد. پس محل نزاع جایی است که مالک قصد می‌کند ملکیت مال خودش را ترک کند. و اما اینکه چرا این محل نزاع واقع شده است؟

علتش این است که می‌گویند «اعراض»؛ عبارت از قصد است، «قصد ترك الملكية»، در حالی که ممکن است کسی بگوید اگر

ملکیت در مالی محقق شد، این ملکیت از بین نمی‌رود مگر به سبب یکی از اسباب نقل، اعم از اسباب اختیاریه؛ مثل بیع، هبه، صلح و یا اسباب غیر اختیاریه؛ مثل ارث. پس برای زوال ملکیت نیاز به سبب داریم و مجرد اینکه کسی قصد ترك الملكية کرده، سبب نمی‌شود که ملکیتش از بین برود.

این احتمال، منشأ این اشکال شده است که در اینجا شما می‌گویید کسی که از ملکیت مالش اعراض می‌کند، آیا به مجرد چنین نیتی، ملکیت زایل می‌شود؟ اگر بگوییم اعراض، مزیل ملکیت است، این بدین معناست که بگوییم؛ به مجرد این که کسی نیت کرد این مال دیگر ملك او نباشد، از ملکیتش خارج می‌شود. آیا می‌توان به این معنا ملتزم شد یا خیر؟

ادله قائلین به عدم زوال ملکیت

قائلین به عدم زوال ملکیت، به استصحاب تمسک می‌کنند و می‌گویند شك می‌کنیم که بعد از اعراض، آن ملکیت سابق از بین رفت یا آن ملکیت سابق باقی است؟ بقاء ملکیت را استصحاب می‌کنیم و می‌گوییم این مال هنوز ملك اعراض کننده است و با اعراض، از ملکیت او خارج نشده است.

ادله قائلین به زوال ملکیت

قائلین به زوال ملکیت، در مقابل این استصحاب؛ سه دلیل بیان کرده اند. دلیل اول: سیره متشرعه است. سیره متشرعه بر این است که اگر مالک از مالش اعراض کرد، دیگر آن شخص را مالک و آن مال را ملک او نمی‌دانند. مثلاً در باب وصیت، یا در باب کسی که قیّم بر صغار است گفته اند اگر پوست بادام یا پوست گردو را جدا کنند یا چیزهای زائدي که بعد از درو کردن گندم مالک از آنها اعراض می‌کند، این وصی یا قیّم صغار، هیچگاه این امور را در اموال موصی ملاحظه نمی‌کند و نمی‌گوید این موصی از دنیا رفته پس این پوست‌های بادام و گردو هم باید جزء اموال موصی باشد و من بر حسب وصیت عمل کنم. مثال دیگر - که الان هم همینطور است - این اگر کسی مالی (مثل يك ميز كهته) را پشت درب منزلش گذاشته، بنای متشرعه بر این است که این را بر می‌دارند و از آن استفاده می‌کنند.

برای این بخش، مثال‌های فراوانی را می‌توان ذکر کرد.

دلیل دوم: عموم «حدیث سلطنت» است. عموم حدیث «الناس مسلطون علی اموالهم» دلالت بر این دارد که وقتی انسان بر مالش مسلط است هر کاری که بخواهد می‌کند، اعم از بیع، هبه، صلح و یکی از مصادیقش هم این است که سلطنت دارد که با «اعراض»، این مال را از ملکیت خودش خارج کند.

نقد این دو دلیل

آیا «سیره» و «حدیث سلطنت»، برای قائلین به زوال ملکیت، فایده‌ای دارند یا خیر؟ به نظر ما این دو دلیل ناتمام است. اما سیره: آن مقداری که در سیره متشرعه ثابت است این است که اگر کسی از مالش اعراض کند، متشرعه می‌گوید دیگری فقط حق استفاده از این مال را دارد، و هیچ وقت نمی‌گوید مالک بوسیله اعراض، دیگر مالکیت ندارد. سیره متشرعه، فقط بر «اباحه تصرف» در چنین مالی ثابت است.

اما حديث سلطنت : تمسك به این حديث دو اشكال دارد. يك اشكال این است كه «حديث سلطنت» می‌گوید مادامي كه مال بر ماليت خودش باقي است شما بر آن سلطنت دارید، اما شما اینجا می‌خواهید كاری كنید كه این مال از مال بودن خارج شود. پس این دیگر داخل در حديث سلطنت نیست. اشكال دوم این است كه تعبیر مرحوم ایروانی(ره) چنین است كه «مفاد حديث سلطنت، سلطنت بر اموال است». بعد فرموده مراد آن چیزی است كه به حمل شایع مال است. ما می‌گوییم آنچه به حمل شایع مال این شخص است؛ این «شیء خارجی» است نه خود «عنوان مال».

يك شیء در عالم خارج، چه دست شما باشد و چه نباشد مال است، اما مال بعنوان هذا الشيء (بعنوان ثانوی). حالا شما بخواهید بر مال بودن يك شیء بعنوان اولی - یعنی مال من حيث كونه مالاً - سلطنت داشته باشید، می‌گفتید می‌خواهم این مال را از ملك خودم خارج كنم. تعبیری كه ایشان دارد این است «الناس مسلطون علی اموالهم»؛ یعنی فرشی كه شما دارید، این فرش بعنوان شایع مال شماست، وقتی می‌گویید «الناس مسلطون علی اموالهم» یعنی بر این فرش سلطنت دارید كه بیع كنید، صلح كنید، هبه كنید و

اما حديث سلطنت نمی‌گوید شما بر «ماليت و ملكيت يك مال» سلطنت دارید و نیز دلالتی بر این ندارد كه شما بگویید من بر «مال من حيث هو مال» - به حمل اولی - سلطنت دارم، یا بر «ملك من حيث هو ملك» سلطنت دارم و می‌خواهم با نیت، ملكيت آن را از بین ببرم. پس خلاصه اشكال دوم این است كه «حديث سلطنت» متشرع نیست. حديث سلطنت می‌گوید شما بر اموالتان سلطنت دارید اما بالاسباب العقلایه؛ یعنی اگر يك چیزی در نزد عقلا سبب است مثل بیع، هبه و صلح، شما بر آن سلطنت دارید، اما در اینجا اصلاً تردید داریم كه آیا «اعراض» عند العقلاء سبب است یا سبب نیست؟ این اول الكلام است.

پس معلوم شد كه «سیره متشرعه» و «عموم حديث سلطنت» كه در مقابل «استصحاب بقاء ملكيت» ادعا شد، هردو اشكال دارد. پس از این دو دلیل، چند روایت مطرح شده، كه باید بررسی كنیم كه آیا از این روایات می‌توان استفاده كرد كه «اعراض»، مزیل ملكيت است؟ این را از همان رساله مرحوم ایروانی(ره) (جمان السلك فی الاعراض عن الملك) برای جلسه بعد ملاحظه بفرمایید.

و صلى الله على سيدنا محمد و آله اجمعين.